

موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی

اسداله نقدی*، اسماعیل بلالی**، پروین ایمانی***

چکیده: امروزه مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف اجتماعی بخشی از حقوق اجتماعی آنان تلقی می‌شود، اما موانع فرهنگی و اجتماعی بسیاری در این زمینه وجود دارد. مشارکت زنان در ورزش به دلیل تأثیرات آن بر سلامت جامعه دارای اهمیت بسیاری است. در اینجا برای مطالعه مشارکت زنان در ورزش از مدلی که ترکیبی از نظریه‌های فیش باین و آیزن، نظریه یادگیری اجتماعی، سرمایه فرهنگی و نیز نظریه‌های بهم، چافتر و چو استفاده شده است. روش تحقیق پیمایشی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه بوده و از آزمون تی گروه‌های مستقل و رگرسیون لجستیک استفاده شده است. حجم نمونه ۲۰۰ نفر از زنان غیر ورزشکار به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از جامعه آماری ۱۰۶۴۰۴ نفری زنان ۲۰-۴۰ ساله شهر همدان و یک گروه ۵۰ نفری از زنان ورزشکار بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. نتایج نشان‌گر پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر، میزان سرمایه فرهنگی، تمایل فردی و حمایت اجتماعی بیشتر از زنان ورزشکار نسبت به زنان غیر ورزشکار است. نگرش خانواده زنان ورزشکار، مثبت‌تر و میزان پذیرش باورهای قالبی به طور معنی‌داری کمتر از زنان غیر ورزشکار است. اما از نظر سودمندی ادراک شده تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود ندارد. نتایج رگرسیون لجستیک نشان داد که متغیرهای سرمایه فرهنگی و تمایل فردی دو متغیر تأثیرگذار بر احتمال مشارکت ورزشی است.

واژگان کلیدی: زنان، فعالیت ورزشی، حمایت اجتماعی، کلیشه‌های جنسیتی، سرمایه فرهنگی.

مقدمه و طرح مساله

ورزش و اوقات فراغت از نهادهای اجتماعی ثانویه محسوب می‌شود و در کنار نهادها و اولییه مانند خانواده و آموزش و پرورش دارای کارکردهای بسیاری است تا جایی که برخی تمدن فعلی را تمدن فراغت نامیده‌اند. بنابراین امروزه ورزش، به حدی از گسترش و توسعه رسیده است که از سوی

naghdi@basu.ac.ir

balali_e@yahoo.com

Imani1357@yahoo.com

* استادیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا

** استادیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۳/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۸/۲۳

کارشناسان به عنوان «جهان کوچک در جامعه» قلمداد می‌شود. به اعتقاد صاحب‌نظران ورزش، ارزش‌ها، ساختار و نیروی محرکه جامعه را نشان می‌دهد و ویژگی‌های اجتماعی را منعکس می‌سازد (عبدلی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). به همین دلیل برخی از پژوهش‌گران بر این عقیده‌اند که ورزش آیینه جامعه است و ساختارهای ورزشی، ساختارهای دیگر جامعه مانند ساختار اقتصادی و سیاسی را که مردان از آن سودی می‌برند، منعکس می‌کنند (دافور^۱، ۱۹۹۹: ۸۵۳) زنان و مردان در فرآیند جامعه‌پذیری از طریق ورزش با نوعی دنیای مردانه و زنانه در این زمینه مواجه می‌شوند. (هولند و اوگلزی^۲، ۲۰۰۸) همچنین از طریق ورزش می‌توان درباره سطح پیشرفت اجتماعی و اقتصادی یک جامعه قضاوت کرد، زیرا پیشرفت و توسعه‌ی ورزش به عوامل اجتماعی-فرهنگی حاکم بر جامعه وابسته است (عبدلی، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

ورزش به عنوان یکی از نهادهای ثانویه جامعه‌ی مدرن، کارکردهایی چون سلامت، تفریح، هویت‌یابی، رفاه اقتصادی و... به همراه دارد. جوامع جدید بیش از هر زمانی به ورزش نیاز دارند زیرا جامعه‌ی سالم نیازمند نیروهای سالم و با نشاط است. ورزش مانند سایر پدیده‌ها در جامعه تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و برخی محققان ورزش را یک امر فرهنگی و زبان مشترکی برای برقراری ارتباطات جهانی می‌دانند (لیکر^۳، ۲۰۰۲: ۱۱) فرصت‌های زنان در حوزه ورزش قابل مقایسه با مردان نیست، به همین دلیل یکی از اساسی‌ترین موضوعات مطرح در جامعه‌شناسی ورزش شناخت علل مشارکت پائین بانوان در فعالیت‌های ورزشی و عوامل تأثیرگذار بر آن است: به دلایل فراوانی که اغلب آن‌ها فرهنگی-اجتماعی هستند، زن در طول تاریخ فرصت کافی پیدا نکرده است تا شایستگی خود را برای مشارکت فعال در ورزش به اثبات رساند، زیرا مرزهایی در برابر زن نهاده شده که این مرزها را نقش‌های اجتماعی او، به عنوان موجود مؤنث ترسیم کرده است (انور الخولی، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

در اکثر جوامع فعالیت‌های ورزشی به صورت سنتی مختص مردان تعریف شده و امکانات ورزشی بیشتر به آن‌ها اختصاص می‌یابد؛ ورزش اساساً یک فعالیت مبتنی بر جنسیت است، فعالیتی که نه تنها برای مردان و پسران روی خوشی نشان می‌دهد، بلکه ارزش‌ها و مهارت‌هایی را که به روشنی مردانه

1 . Dufur

2 .Holland & Oglesby

3 . Laker

موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ۱۴۹

تعریف می‌شوند ترویج می‌نمایند (بررل^۱، ۲۰۰۰: ۶۱) از آنجائی که نیمی از جمعیت کشورها را زنان تشکیل می‌دهند، سلامت آنان به عنوان تربیت کننده‌ی نسل‌های آینده جهت ایفای نقش‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی دارای اهمیت وافری است. در جامعه ایران نگرش‌های منفی به فعالیت‌های ورزشی بانوان وجود دارد؛ وجود برخی خرده فرهنگ‌ها، باورهای قالبی و تعصبات خانوادگی از جمله این مشکلات است. در طرح پژوهش ملی که در سال ۱۳۸۰ با عنوان جایگاه ورزش در اوقات زنان ایرانی در میان زنان ۲۰ تا ۶۵ ساله شهری در ۱۷۶ شهر کشور صورت گرفته ۴۵/۸ درصد زنان مورد بررسی اظهار داشته‌اند که ورزش نمی‌کنند. (تندنویس، ۱۳۸۰). همچنین بر اساس آمارهای سازمان تربیت بدنی بیشترین گرایش زنان و دختران نیز به ورزش همگانی است.

بر اساس آمارهای موجود در اداره‌ی کل ورزش بانوان سازمان تربیت بدنی تا سال ۱۳۸۲ اماکن ورزشی بانوان در استان‌های مختلف سراسر کشور به سه دسته اماکن ورزشی دولتی که به طور مستقیم زیر نظر سازمان تربیت بدنی اداره می‌شوند، اماکن ورزشی که زیر نظر ادارات دولتی... قرار دارند و اماکن ورزشی خصوصی تقسیم می‌شوند. طبق این تقسیم‌بندی ۱۱۸۴ مرکز ورزشی دولتی، ۱۶۶ مرکز ورزشی غیر تربیت بدنی و ۱۷۰ مرکز ورزشی خصوصی در استان‌های مختلف کشور وجود دارند که از این تعداد ۸۵۶ مرکز به صورت نیمه‌وقت (تا ظهر) و ۵۶۲ مرکز به شکل تمام وقت در اختیار بانوان قرار دارد. در شهر همدان نیز در سال ۱۳۸۶ تعداد کل ورزشکاران براساس آمار سازمان تربیت بدنی ۵۸۰۱۳ نفر است که ۱۸۷۷۰ نفر از آن‌ها زن و ۳۹۲۴۳ نفر مرد هستند. براساس این آمار نسبت زنان به مردان ۳۲/۳۵ درصد است. تعداد سالن‌های موجود در سطح شهر همدان ۱۴۲ سالن ورزشی است که تعداد سالن‌های مختص بانوان در سطح شهر تنها ۲ سالن است و بقیه سالن‌ها مشترک بین زنان و مردان است. اما عدم مشارکت تنها به کمبود فضاها و امکانات ختم نمی‌شود؛ بلکه متغیرهای فرهنگی و اجتماعی نقش پررنگی در این زمینه بر عهده دارند. بنابراین مسئله اصلی این تحقیق بررسی موانع فرهنگی اجتماعی مشارکت ورزشی زنان است.

¹.Baerrel

مبانی نظری پژوهش

مطالعه حاکمیت ارزش‌های مردانه در ورزش به دهه ۱۹۷۰ در آمریکا و اروپا برمی‌گردد (بررل^۱، ۲۰۰۰) که با شکل‌گیری جامعه‌شناسی ورزش به عنوان شاخه جدیدی از این علم، در طی چند دهه‌ی اخیر سعی نموده است جنبه‌های گوناگون اجتماعی ورزش را در پرتو نظریه‌ها و تحت شرایط پژوهش‌های تجربی و اجتماعی تجزیه و تحلیل نماید و اساساً ماهیتی انتقادی دارد. این شاخه از جامعه‌شناسی مسائل و جریان‌های موجود در جهان ورزش را با دیده تردید می‌نگرد و در بسیاری از موارد باورهای عمومی را که در جهت مشروعیت دادن به ارزش‌ها و باورهای کلیشه‌ای ورزشی بکار می‌روند؛ به چالش می‌کشد. در ادامه برخی نظریه‌های جامعه‌شناختی ورزش را با تأکید بر ورزش زنان مرور می‌شود.

نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی تأکید زیادی بر نقش عوامل محیط اجتماعی در یادگیری نگرش‌ها و رفتارها دارد. این نظریه بر ارتباط سه‌گانه بین افراد، رفتار و محیط از طریق فرآیند التزام یا علیت متقابل تأکید می‌کند. گرچه فرآیند یادگیری در دو محیط فیزیکی (جنبه‌های مادی میدان رفتار) و محیط اجتماعی (حضور واقعی یا خیالی دیگران) و یا مشارکت آنان در زمان یادگیری رخ می‌دهد، با این حال به نظر می‌رسد محیط اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد (ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

آلبرت باندورا^۲ نظریه پرداز یادگیری اجتماعی در توضیح فراگیری رفتارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی بیان می‌کند: کودک از دو طریق رفتارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی را یاد می‌گیرد: نخست از راه آموزش مستقیم و به تعبیر دیگر، شرطی‌سازی کودک به کمک عوامل تقویت‌کننده که طی آن کودک با پاداش و تنبیهی که دریافت می‌کند، نسبت به رفتارهای جنسیتی شرطی شده، آن‌ها را فرا می‌گیرد؛ دوم از راه تقلید که گاه از آن با عناوین همانندسازی یا سرمشق‌گیری یاد می‌شود و طی آن رفتارهای جنسیتی توسط والدین و دیگر عوامل جامعه‌پذیری (اعضای بزرگ‌تر خانواده، سایر بزرگسالان،

1. Baerrel

2. Albert Bandura

موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ۱۵۱

آموزگاران، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی) الگو سازی می‌شوند و کودک از این الگوها تقلید و پیروی می‌کند (بستان، ۱۳۸۵: ۱۴ و ۱۳).

تئوری یادگیری اجتماعی هم بر تعیین کننده‌های فردی رفتار (باور، گرایش و انگیزه) و هم بر تعیین کننده‌های بیرونی مانند عوامل اجتماعی، مادی و تقویت کننده‌ها توجه دارد. افرادی که خود اثر بخشی بالاتری دارند، احتمالاً دنبال مراقبت‌های پیشگیری هستند و بیشتر به ورزش می‌پردازند (محبی، ۱۳۷۹: ۳۴) باندورا سه طبقه عمده از انتظارات نتیجه را که شامل: نتایج مادی، نتایج اجتماعی و نتایج برگشتی به خود را مشخص می‌کند (همان: ۳۵).

نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو

سرمایه فرهنگی را اولین بار پیربوردیو^۱ و ژان کلود پسون^۲ مطرح کردند. سرمایه فرهنگی: گرایش‌ها و عادات دیرپا که در طی فرآیند جامعه پذیری حاصل می‌شوند و نیز اهداف فرهنگی ارزشمند نظیر صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را شامل می‌گردد (نوغانی، ۱۳۸۶: ۷۷) لازم به ذکر است زمینه اجتماعی و زمینه خانوادگی در دستیابی به سرمایه فرهنگی تأثیر دارند و سرمایه فرهنگی نیز بر دستاوردهای علمی و شغلی تأثیر خواهد داشت. برخورداری از نظرها و عقاید شخصی نیز ثمره تحصیلات و مهارت‌های اکتسابی فرد است. سرمایه فرهنگی دارای سه شکل فرعی است:

۱- ذهنی فرهنگی ۲- عینی فرهنگی ۳- نهادی و ضابطه‌ای (بوردیو، ۱۹۹۰)

تئوری فمینیسم

نظریه پردازان فمینیستی معتقدند که ورزش، جنسیتی شده است و ورزش زنان به طور نظام یافته‌ای به عنوان یک امر ضد ارزشی، تحت فشار قرار گرفته و مورد استثمار واقع شده است (پارسامهر، ۱۳۸۵: ۹۴) در زیر به بررسی چند مورد نظریات فمینیستی در زمینه ورزش می‌پردازیم.

1. Bourdie

2. G.C.Pasron

نظریه کلیشه‌های جنسیتی

سندرا بَم^۱ در خصوص نقش‌پذیری جنسیتی و تشکیل کلیشه‌های جنسیتی مبتنی بر جنس در افراد معتقد است: کودکان در یادگیری نقش‌های جنسیتی فعال هستند، آن‌ها مقوله‌های شناختی موجود در جامعه را برای جنسیت شکل می‌دهند و سپس دانش جنسیتی مربوطه را درباره‌ی این مقوله‌ها بدست می‌آورند. بَم استدلال می‌کند نقش‌پذیری جنسیتی به واسطه فرآیند یادگیری تدریجی تشکیل و طرح‌واره‌های جنسیتی اتفاق می‌افتد، وی نقش مهمی برای فرهنگ در تشکیل طرح‌واره‌های جنسیتی قائل است (نبوی و احمدی، ۱۳۸۶: ۶۱).

به نظر بَم، طرح‌واره جنسیتی، مجموعه‌ای از تداعی‌های مرتبط با جنسیت است (خمسه، ۱۳۸۳: ۱۲۰). وجود طرح‌واره‌های جنسیتی شکل‌گیری کلیشه‌سازی جنسیتی را افزایش می‌دهد. کلیشه‌های جنسیتی، باورها و نگرش‌هایی درباره مردانگی و زنانگی است (همان: ۱۲۱). بر اساس نظریه طرح‌واره‌های جنسیتی، فرهنگ در رشد و تحول جنسیت و آماده کردن مرجعی برای تشکیل طرح‌واره‌های جنسیتی نقش دارد (همان: ۱۲۰). بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، پسران قوی و اهل ورزش‌های قهرمانی هستند و دختران ضعیف و اهل بازی‌های دخترانه هستند. بَم در تئوری طرح‌واره جنسیتی خود بیان می‌کند افرادی که به نوع جنس توجه می‌کنند، بیش از کسانی که به نوع جنس نمی‌پردازند، ورزش‌ها را بر حسب جنسیت طبقه‌بندی می‌کنند و بر همین اساس مشارکت آن‌ها محدود به ورزش‌هایی می‌شود که برای هر جنس مناسب تشخیص می‌دهند (محبی، ۱۳۷۹: ۵۵).

نظریه نقش جنسیتی

چافتز^۲ در بررسی نابرابری‌های جنسیتی به نقش نیروهای اجباری و اختیاری قشربندی جنسیتی می‌پردازد. عناصر اصلی نظریه لایه‌بندی جنسیتی چافتز عبارتند از:

۱- نظام تقسیم کار کلان در سطح جامعه

۲- برتری مردان در دست‌یابی به منابع مادی و منابع قدرت

1. Bem, S.

2. Chafetz

۳- تعاریف اجتماعی برای مقایسه زنان و مردان، شامل ایدئولوژی جنسیتی، هنجار جنسیتی و باورهای قالبی جنسیتی (احمدی و گروسی، ۱۳۸۳: ۹) چافتر معتقد است که اگر تقسیم کار در سطح کلان در جامعه جنسیت یافته صورت گیرد، به مرور زمان مردان به منابعی بیش از زنان دست می‌یابند و این مسئله باعث می‌شود مردان کمتر در خانه به کار بپردازند و کارهای منزل را جزء وظایف زنان به حساب آورند، در نتیجه مردان، هم در جایگاه مادی و هم در جایگاه قدرت به صورت نخبه درمی‌آیند و می‌توانند همه‌ی کارهای زنان را در اختیار گیرند. یکی از عوامل تداوم تقسیم کار سنتی جنسیتی، وجود و باز تولید تعاریف جنسیتی تأیید کننده تقسیم کار و نظام نقش‌های جنسیتی است (نبوی و احمدی به نقل از ترنر، ۱۳۸۶: ۶۰).

چافتر بین انواع تعاریف جنسیتی تمایز قائل می‌شود به نظر او ایدئولوژی جنسیتی عبارت از عقایدی درباره تفاوت‌های زیست شناختی در سرشت زن و مرد که نابرابری را توجیه می‌کند (احمدی و گروسی، ۱۳۸۳: ۱۰). هنجارهای جنسیتی بیان‌کننده‌ی انتظارات متفاوت از زن و مرد براساس جنسیت آن‌ها است. تصورات قالبی جنسیتی باورهای مؤکد بر تفاوت زنان و مردان در پاسخ‌گویی به موقعیت‌های مختلف است. آنچه براساس این نظریه مهم به نظر می‌رسد این است که هنجارهای جنسیتی انتظارات متفاوتی از زنان و مردان دارند و براساس آن‌ها تصورات قالبی جنسیتی بر رفتارهای اجتماعی زنان تأثیرگذار است و تصورات قالبی به صورت مانعی در انجام فعالیت‌های ورزشی بانوان عمل می‌کند.

نظریه موانع فیزیولوژیکی

چو^۱ معتقد است بسیاری از افراد بر موانع فیزیولوژیکی که به حکم طبیعت زن، در مشارکت فعال او تأثیر می‌گذارد، بیشتر از موانع فرهنگی تأکید می‌کنند؛ در صورتی که واقعیت غیر از این است، از جمله؛

- بسیاری از مسابقات ورزشی به سینه زن آسیب می‌رساند.
- استخوان‌های زن - برعکس مرد - شکننده است و زنان از لحاظ بدنی موجوداتی آسیب پذیرند.
- مشارکت فشرده‌ی زن در ورزش به رشد عضلانی بدن می‌انجامد که این با چهره‌ی اجتماعی زن ناسازگار است (انورالخولی، ۱۳۸۱: ۱۰۷ و ۱۰۸).

1. Chu

فرضیات تحقیق

- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.
- سرمایه‌ی فرهنگی زنان بر میزان مشارکت در ورزش تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.
- بین باورهای قالبی در مورد ورزش زنان و میزان مشارکت در ورزش ارتباط معنی‌دار و معکوسی وجود دارد.
- بین تمایل فردی و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد.
- بین حمایت اجتماعی (دوستان، مربی و ...) و میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سودمندی ادراک شده و میزان مشارکت زنان در ورزش رابطه وجود دارد.
- بین نگرش خانواده (پدر، شوهر، ...) و مشارکت زنان در ورزش رابطه وجود دارد.

روش تحقیق و حجم نمونه

روش تحقیق حاضر پیمایشی است. تحقیق پیمایشی جمعیت‌های کوچک و بزرگ را با انتخاب و مطالعه نمونه‌های منتخب از آن جامعه‌ها برای کشف میزان نسبی شیوع، توزیع و روابط متقابل متغیرهای روان شناختی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهد (کرلینجر، ۱۳۸۲: ۶۵۰). ویژگی بارز پیمایش عبارت است از شیوه گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آن‌ها (دواس، ۱۳۷۶: ۱۳) و پرسشنامه رایج‌ترین تکنیک مورد استفاده در تحقیقات پیمایشی است. جامعه آماری زنان غیر ورزشکار این تحقیق که زنان ۲۰-۴۰ ساله شهر همدان می‌باشند، تعداد ۱۰۶۴۰۴ نفر و تعداد زنان ورزشکار بر اساس فهرست بیمه شدگان سازمان تربیت بدنی ۱۴ هزار زن ورزشکار بوده است. برای بدست آوردن وجود صفت و عدم صفت ورزشکار بودن در جمعیت‌های مورد بررسی مشخص می‌شود که میزان p یعنی دارا بودن صفت برای زنان ورزشکار بیمه شده $0/2$ و مقدار q یعنی عدم وجود صفت برابر با $0/8 = 1-p$ تعیین شد. مقدار d یعنی واریانس صفت بر اساس تحقیقات پیشین مانند طرح پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر میزان دسترسی دختران به امکانات فرهنگی در شهر همدان با پژوهش غلامرضا یادگارزاده برابر با $0/5$ تعیین شده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است.

موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی ۱۵۵

$$n = Nt2p(1-P) \quad (Nd2 + t2 p(1-p))$$

$$n = ۱۰۶۴۰۴ \times ۳/۸۴ \times ۰/۲ \times ۰/۸ + ۱۰۶۴۰۴ \times ۰/۰۰۲۵ + ۳/۸۴ \times ۰/۲ \times ۰/۸ = ۲۴۵$$

بنابراین حجم نمونه‌ای برابر با ۲۴۵ نفر به دست آمد که برای اطمینان از عدم کسر پرسشنامه‌های مخدوش به ۲۵۰ نفر افزایش یافت. برای تعیین حجم نمونه ورزشکاران و غیر ورزشکاران به صورت زیر عمل شد.

$$۰/۲ \times ۲۵۰ = ۵۰ \text{ ورزشکار}$$

$$۰/۸ \times ۲۵۰ = ۲۰۰ \text{ غیر ورزشکار}$$

نمونه‌گیری از زنان غیر ورزشکار بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۱ صورت گرفت، در آغاز شهر همدان بر اساس ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی، مانند قیمت املاک، عرف اجتماعی به مناطق بالا، متوسط و پایین به شرح جدول زیر مشخص و سپس حجم نمونه برای هر منطقه محاسبه گردید.

جدول (۱): حجم نمونه برای مناطق سه گانه منتخب شهر همدان

جمع	حصار	مهدیه	متخصصین	
۳۰۷۸۷	۱۴۵۷۳	۷۹۶۵	۸۲۴۹	جمعیت هر منطقه
۲۰۰	۹۴	۵۲	۵۴	تعداد نمونه

همان طور که جدول بالا نشان می‌دهد تعداد نمونه‌های انتخابی متناسب با جمعیت هر منطقه است. از آنجا که تعداد زنان ۲۰-۴۰ ساله شهر همدان نسبت به جمعیت کل شهر همدان ۲۰ درصد است در اینجا نیز ۲۰ درصد از جمعیت هر منطقه به عنوان زنان ۲۰-۴۰ ساله در نظر گرفته شده است، پس از تعیین خوشه‌های اصلی و جمعیت آن‌ها با مراجعه به معاونت مدیریت و برنامه‌ریزی استانداری همدان نقشه‌های هر منطقه تهیه شد و سپس بر اساس نقشه‌ها با توجه به خیابان اصلی و فرعی در هر منطقه بلوک‌هایی نسبتاً همگن به صورت تصادفی انتخاب و در مرحله بعد در هر منطقه ابتدا منازل بلوک‌ها بر اساس پلاک‌ها (کدپستی، سازمان آب و شهرداری) شمارش شد تا تعداد منازل به ۴ برابر حجم نمونه در آن منطقه برسد، آنگاه بر اساس تعداد نمونه هر منطقه مصاحبه با افراد مورد نظر انجام شد. جهت نمونه‌گیری از زنان ورزشکار نیز با مراجعه به سازمان تربیت بدنی، لیست رشته‌های ورزشی که زنان در

1. Multi-stage Cluster Sampling

۱۵۶ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

آن‌ها فعال هستند تهیه شد و سپس بر اساس جدول شماره ۲ لیست تعداد ۱۰ رشته دارای جمعیت بالای ۱۰ نفر انتخاب و از هر رشته پنج نفر به صورت تصادفی برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌های زنان ورزشکار برگزیده شدند.

جدول (۲): لیست رشته‌های برگزیده ورزشی

فوتبال	آمدگی جسمانی
کاراته و رزمی	دوچرخه سواری
کوهنوردی و سنگ نوردی	سوارکاری
والیبال	شمشیربازی
ورزش همگانی (ورزش صبحگاهی)	شنا

یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های این بررسی در مورد تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی در دو گروه زنان ورزشکار و غیرورزشکار، میانگین نمرات پایگاه خانواده در گروه زنان ورزشکار ۹/۵۶ و در گروه زنان غیرورزشکار ۷/۰۷ به دست آمده است. مقدار t نیز این اختلاف را ($P < 0.001$ و $t_{196} = 4.12$) معنی‌دار نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی در دو گروه زنان ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معنی‌داری وجود دارد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان ورزشکار به طور معنی‌داری بالاتر از پایگاه زنان غیر ورزشکار است.

از سوی دیگر داده‌ها نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی یکی از متغیرهای موثر بر مشارکت ورزشی است و میانگین نمرات سرمایه فرهنگی در گروه زنان ورزشکار ۳۹/۸۴ و در گروه زنان غیر ورزشکار ۲۹/۲۷ اختلاف معنی‌دار را نشان می‌دهد ($P < 0.001$ و $t_{247} = -6.99$). بنابراین فرضیه صفر رد شده و فرضیه تحقیق یعنی وجود تفاوت بین سرمایه فرهنگی در دو گروه زنان ورزشکار و غیرورزشکار تأیید می‌گردد؛ به نحوی که سرمایه فرهنگی زنان ورزشکار به طور معنی‌داری بیشتر از سرمایه فرهنگی زنان غیر ورزشکار است.

یکی از موانع مشارکت زنان در ورزش باورهای قالبی است. داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمرات میزان باورهای قالبی در گروه زنان ورزشکار ۳۲/۲۸ و در گروه زنان غیر ورزشکار ۳۵/۹۶ بدست آمده

موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ۱۵۷

است. مقدار t نیز این اختلاف را معنی‌دار نشان می‌دهد ($P < 0/05$ و $t_{247} = -2/36$) بنابراین فرضیه صفر رد شده و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود، به عبارت دیگر میزان باورهای قالبی زنان ورزشکار به طور معنی‌داری کمتر از میزان باورهای قالبی زنان غیر ورزشکار است.

نتایج بدست آمده همچنین نشان می‌دهد که میانگین نمرات تمایل فردی به ورزش در گروه زنان ورزشکار $42/63$ و در گروه زنان غیر ورزشکار $35/71$ بوده است. مقدار t ، ($P < 0/001$ و $t_{447} = 8/93$) نیز این اختلاف را معنی‌دار نشان می‌دهد. بنابراین فرضیه صفر رد شده و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود یعنی بین تمایل فردی به ورزش در دو گروه زنان ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معنی‌داری وجود دارد و در زنان ورزشکار به‌طور معنی‌داری بیشتر از زنان غیر ورزشکار است.

بر اساس تحقیقات بین‌المللی حمایت اجتماعی در امر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی مؤثر است، یافته‌های این بررسی حاکی از تفاوت میانگین نمرات حمایت اجتماعی در گروه زنان ورزشکار $17/27$ و در گروه زنان غیر ورزشکار $14/77$ و این اختلاف ($P < 0/05$ و $t_{120} = 2/98$) معنی‌دار است. پس حمایت اجتماعی برای زنان ورزشکار به طور معنی‌داری بیشتر از حمایت اجتماعی برای زنان غیر ورزشکار است.

به طور طبیعی انتظار می‌رود مشارکت در هر فعالیتی از ورزش با سودمندی ادراک شده از این فعالیت در ارتباط باشد، اما با توجه به نتایج بدست آمده بین میانگین نمرات سودمندی ادراک شده در گروه زنان ورزشکار $4/98$ و در گروه زنان غیر ورزشکار $5/11$ بدست آمد، بنابراین اختلاف معنی‌دار مشاهده نمی‌شود ($P > 0/05$ و $t_{247} = 0/987$).

در اغلب تئوری‌های مرتبط با ورزش زنان، به نوع نگرش خانواده‌ها به مشارکت زنان در ورزش اشاره شده است میانگین نمرات نگرش خانواده در گروه زنان ورزشکار $16/65$ و در گروه زنان غیر ورزشکار $14/95$ بدست آمده است و آماره t نیز این اختلاف را معنی‌دار نشان می‌دهد ($P < 0/05$ و $t_{171} = 3/107$). در نتیجه نگرش خانواده زنان ورزشکار به طور معنی‌داری مثبت‌تر از نگرش خانواده زنان غیر ورزشکار است.

هنگامی که متغیر وابسته تنها دو نتیجه ممکن دارد و فقط می‌تواند یکی از ارزش‌های صفر و یک را بپذیرد (از نوع اسمی دو وجهی) در این صورت به‌جای رگرسیون چند گانه از رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود. در این روش بر اساس متغیرهای مستقل مورد استفاده می‌توان احتمال هر یک از سطوح متغیر

دو وجهی را محاسبه کرد. در رگرسیون لجستیک برای بررسی معنادار بودن رابطه از مشخصه‌های آماری دارای توزیع کای اسکوئر استفاده می‌شود. در این تحقیق از روش Forward: Conditional استفاده شده است. متغیرهای وارد شده شامل پایگاه اقتصادی اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سودمندی ادراک شده، باورهای قالبی، تمایل فردی، حمایت اجتماعی و نگرش خانواده بوده است.

Omnibus Tests of Model Coefficients

		Chi-square	df	Sig.
Step 1	Step	55.884	7	.000
	Block	55.884	7	.000
	Model	55.884	7	.000
Step 2 ^a	Step	-.333	1	.564
	Block	55.551	6	.000
	Model	55.551	6	.000
Step 3 ^a	Step	-.933	1	.334
	Block	54.618	5	.000
	Model	54.618	5	.000
Step 4 ^a	Step	-1.778	1	.182
	Block	52.840	4	.000
	Model	52.840	4	.000

a. A negative Chi-squares value indicates that the Chi-squares value has decreased from the previous step.

بر اساس داده‌های فوق رگرسیون تا چهار گام پیشرفته است. کای اسکوئر در گام چهارم برابر ۵۲/۸۴۰ و معنی دار (P=0.000) گردیده است. بنابراین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر داشته و نشان دهنده برازش مناسب مدل است.

Model Summary

Step	-2 Log likelihood	Cox & Snell R Square	Nagelkerke R Square
1	45.330 ^a	.455	.682
2	45.663 ^a	.453	.679
3	46.596 ^a	.448	.671
4	48.374 ^a	.437	.655

a. Estimation terminated at iteration number 7 because parameter estimates changed by less than .001.

میزان واریانس تبیین شده (R^2) در رگرسیون چند گانه، نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل وارد شده در مجموع ۶۵/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

Classification Table

Observed		Predicted		
		group		Percentage Correct
		غیرورزشکار	ورزشکار	
Step 1 group	غیرورزشکار	65	5	92.9
	ورزشکار	7	15	68.2
	Overall Percentage			87.0
Step 2 group	غیرورزشکار	65	5	92.9
	ورزشکار	6	16	72.7
	Overall Percentage			88.0
Step 3 group	غیرورزشکار	65	5	92.9
	ورزشکار	6	16	72.7
	Overall Percentage			88.0
Step 4 group	غیرورزشکار	64	6	91.4
	ورزشکار	5	17	77.3
	Overall Percentage			88.0

a. The cut value is .500

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که در گام اول تنها یک متغیر مستقل وارد مدل شده است حساسیت مدل ۸۷ درصد بوده است. اما در گام چهارم ۸۸ درصد نمونه‌ها به درستی تفکیک می‌شوند. خروجی

۱۶۰ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

بعدی مقدار ثابت، ضریب B، نسبت برتری (Exp(B)) و آماره والد را نشان می‌دهد. آماره والد معنی‌دار بودن متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون را نشان می‌دهد و قابل مقایسه با آماره t در رگرسیون معمولی می‌باشد.

Variables in the Equation

	B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)	
Step 1	paygah	.093	.112	.692	1	.405	1.098
	sarmaye_farhangi	.197	.084	5.431	1	.020	1.217
	bavar	-.028	.049	.321	1	.571	.973
	tamayol	.411	.142	8.384	1	.004	1.508
	hemayat2	.134	.113	1.413	1	.234	1.144
	sodmandi	-.195	.127	2.377	1	.123	.823
	neg_khnvd	.249	.189	1.723	1	.189	1.282
	Constant	-17.938	6.655	7.265	1	.007	.000
Step 2	paygah	.105	.109	.928	1	.335	1.110
	sarmaye_farhangi	.196	.084	5.440	1	.020	1.216
	tamayol	.418	.140	8.909	1	.003	1.518
	hemayat2	.131	.114	1.315	1	.251	1.140
	sodmandi	-.208	.125	2.794	1	.095	.812
	neg_khnvd	.262	.189	1.922	1	.166	1.299
	Constant	-18.649	6.457	8.341	1	.004	.000
	Step 3	sarmaye_farhangi	.220	.080	7.567	1	.006
tamayol		.372	.124	8.979	1	.003	1.451
hemayat2		.145	.112	1.695	1	.193	1.157
sodmandi		-.191	.116	2.718	1	.099	.826
neg_khnvd		.290	.184	2.469	1	.116	1.336
Constant		-18.093	6.274	8.316	1	.004	.000
Step 4	sarmaye_farhangi	.234	.078	8.943	1	.003	1.263
	tamayol	.373	.119	9.862	1	.002	1.452
	sodmandi	-.183	.110	2.745	1	.098	.833
	neg_khnvd	.315	.176	3.221	1	.073	1.371
	Constant	-16.839	5.895	8.158	1	.004	.000

a. Variable(s) entered on step 1: paygah, sarmaye_farhangi, bavar, tamayol, hemayat2, sodmandi, neg_khnvd.

نتایج آزمون والد و معنی‌داری مربوط به آن نشان می‌دهد که در گام چهارم متغیرهای سرمایه فرهنگی و تمایل فردی در سطح ۵ درصد خطا معنی‌دار هستند. بر مبنای مقدار ثابت و ضریب بتا می‌توان معادله بهینه رگرسیون را به صورت زیر ارائه کرد:

$$\ln\left(\frac{p}{1-p}\right) = -۱۶/۸۳۹ + ۰/۲۳۴ (\text{سرمایه فرهنگی}) + ۰/۳۷۳ (\text{تمایل فردی})^1$$

نتیجه گیری

به طور سنتی ورزش امری «مردانه» تعریف می شود و برای حضور زنان در این عرصه موانع فرهنگی، اجتماعی، سازمانی و... بسیاری وجود دارد. این تحقیق با پرسش اساسی مهم ترین موانع فرهنگی- اجتماعی مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی چیست؟ آغاز شد و بر اساس تئوری های مرتبط، به بررسی تأثیر این عوامل پرداخته است. در این بررسی بر اساس تئوری فیش باین و آیزن که عنصر اصلی رفتار را قصد و نیت می داند که خود بر اساس دو عامل سودمندی ادراک شده از آن رفتار و تأثیری که افراد از دیگران و گروه های مهم می گیرند شکل می گیرد. نظریه یادگیری اجتماعی معتقد است که رفتار انسان نتیجه یادگیری است و حمایت اجتماعی افرادی که دیگران مهم هستند باعث تقویت یا ممانعت از انجام رفتار می شود، در این بررسی مطابق چهارچوب های نظری فوق تأثیر حمایت اجتماعی از فعالیتهای ورزشی زنان توسط هر دو گروه زنان ورزشکار و غیر ورزشکار مورد تأکید قرار گرفته است. دیگر این که خود ارزیابی افراد از سودمندی های مورد نظر می تواند در افزایش یا کاهش تمایل فردی مؤثر باشد. همچنین بر اساس نظریه سرمایه فرهنگی، آنچه از خانواده و محیط اجتماعی به فرد منتقل می شود می تواند دامنه های فرصت های، انتخابات و اختیارات افراد را افزایش دهد و باعث آگاهی فرد از منافع مشارکت در فعالیتهای ورزشی شود. همچنین براساس نظریه های کلیشه های جنسیتی، نقش پذیری جنسیتی و تصورات قالبی جنسیتی موانع مشارکت زنان در ورزش بررسی شدند. بر اساس نظریه های فوق و یافته های تحقیق والدین بیشترین حمایت و بیشترین تأثیر را داشته اند؛ نگرش خانواده در (۶۷/۶ درصد) ورزشکاران نگرشی قوی و مثبت بوده است، یعنی با ورزش کردن زنان ورزشکار موافق بوده اند. در شاخص سرمایه فرهنگی ۵۴ درصد زنان ورزشکار دارای سرمایه فرهنگی بالایی بوده اند، در حالی که تنها ۱۸/۶ درصد زنان غیر ورزشکار دارای سرمایه فرهنگی بالایی بودند.

بررسی تمایل فردی به ورزش نشان می دهد ۷۳/۵ درصد زنان ورزشکار دارای تمایل قوی به فعالیت ورزشی و ۱۸/۵ درصد زنان غیر ورزشکار دارای این سطح از تمایل به ورزش هستند. از نظر زنان

۱. P. احتمال ورزشکار بودن است

۱۶۲ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

ورزشکار مهم‌ترین انگیزه آن‌ها از ورزش کردن سلامت جسمانی است و پس از سلامت جسمانی، تناسب اندام قرار دارد. در سطح موفقیت ورزشی نیز ۵۳ درصد از زنان ورزشکار آمادگی بدنی را مهم‌ترین سطح موفقیت ورزشی خود دانسته‌اند. موانع مشارکت ورزشی زنان به ترتیب اولویت شامل مشغله‌های خانوادگی (۳۳/۵ درصد)، تنبلی (۲۰/۵ درصد) و کمبود وقت (۱۵/۵ درصد) ذکر شده‌اند که با تحقیقات قبلی انجام شده مانند احسانی، هاردمن و کرومل (۱۹۹۶)، تند نویس (۱۳۸۰)، حامدی نیا و عسگری هماهنگی دارد.

منابع

- احسانی، محمد و مریم عزب دفتران (۱۳۸۲) «بررسی علل بازدارنده مشارکت در فعالیت‌های ورزشی دختران دانشجو، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان»، فصلنامه المپیک، سال یازدهم، ش ۳، صص ۲۹-۴۰.
- احمدی، حبیب و سعیده گروسی (۱۳۸۳) «بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی»، فصلنامه مطالعات زنان، سال دوم، ش ۶، صص ۳۰-۵.
- انور الخولی، امین (۱۳۸۱) ورزش و جامعه، حمیدرضا شفیعی، چ اول، تهران: سمت.
- باندورا، آلبرت (۱۳۷۲) نظریه یادگیری اجتماعی فرهاد ماهر، چ اول، تهران: راهگشا.
- بستان، حسین (۱۳۸۵) «بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره چهارم، ش ۱ و ۲، صص ۳۱-۵.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۱) «کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی»، ترجمه محمدرضا فرزاد، فصلنامه ارغنون، ش ۲۰، دوره دوم.
- پارسامهر، مهربان (۱۳۸۵) «بررسی عوامل موثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: استان مازندران)»، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.
- تندنویس، فریدون (۱۳۸۰) جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی، حرکت، ش ۱۲.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ اول، نی.
- دو فرانس، زاک (۱۳۸۵) جامعه شناسی ورزش، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- حامدی نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۶) «شناسایی موانع مشارکت زنان ۵۰-۲۰ ساله شهرستان سبزوار در فعالیت‌های ورزشی»، پژوهش‌نامه علوم ورزشی، سال سوم، ش ۶.
- خمسه، اکرم (۱۳۸۳) «بررسی طرح واره‌های نقش جنسیتی و کلیشه‌های فرهنگی در دانشجویان دختر»، فصلنامه مطالعات زنان، سال دوم، ش ۶، صص ۱۱۵ تا ۱۳۴.
- ریاحی، محمد اسماعیل (۱۳۸۶) «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) ش ۱، پیاپی ۱۷، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۳۶-۱۰۹.
- سلامی، فاطمه (۱۳۸۱) توصیف موانع مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی، طرح پژوهشی دانشگاه تربیت معلم.

موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ۱۶۳

شارع پور، محمود (۱۳۸۱) بررسی علل موثر بر گرایش دانشجویان دختر و پسر نسبت به ورزش در گذران اوقات فراغت در ایران، طرح پژوهشی پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

عبدلی، بهروز (۱۳۸۶) مبانی روانی- اجتماعی تربیت بدنی و ورزش، تهران: بامداد کتاب.

کرلینجر، فردان (۱۳۸۲) مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه: حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، ج دوم، چ دوم، آوای نور.

کشکر، سارا و محمد احسانی (۱۳۸۶) «بررسی اهمیت عوامل بازدارنده‌ی زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی»، فصلنامه مطالعات زنان، سال ۵، ش ۲، صص ۱۳۴-۱۱۳.

محبی، سیده فاطمه (۱۳۷۹) «سنجش عوامل فرهنگی- اجتماعی موثر بر گرایش بانوان به ورزش»، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء.

نوایی نژاد، شکوه و دیگران (۱۳۶۷) زن و ورزش، چ اول، سازمان تربیت بدنی.

نبوی، سید عبدالحسین و لیلا احمدی (۱۳۸۶) «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، ش ۲، صص ۸۲-۵۹.

نوغانی، محسن (۱۳۸۶) «تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۲۳، صص ۱۰۲-۷۱.

Baerrel Susan. (2000) *Feminist Theories Of Sport*, London, Sage.

Bourdieu Pierre and Jean.C.Passeron (1990) *Reproduction in Education, Society and Culture*, Sage.

Dufur Mikaelaj (1999) *Gender and sport*, New York.

Holland, Judith,R and Carole Oglesby (2008) *women in sport, the synthesis begins*, Sage publications.

Laker, Anthony (2002) *The Sociology of Sport and physical education*, Rutledge.